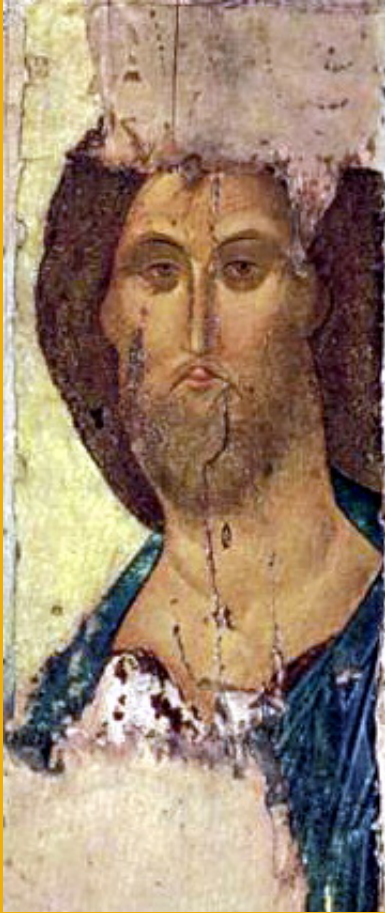


شمایل ها



شمایل ها

فهرست

۵	مقدمه
۶	معنای شمایل
۸	چگونگی پیدایش شمایل
۱۶	معرفی شمایل ها طبق اعیاد و ایام عبادی کلیسا
۱۶	شمایل مژده فرشته به مریم
۱۸	میلااد مسیح
۲۲	تعمید مسیح
۲۴	تجلی
۲۷	شام آخر خداوند عیسی
۳۰	تصلیب
۳۳	فرو رفتن عیسی در هاویه
۳۶	صعود مسیح
۳۸	صعود مسیح و نزول روح القدس
۴۰	پنطیکاست
۴۳	رحلت حضرت مریم
۴۵	سه گانه اقدس
۴۷	معرفی دیگر شمایل ها
۴۸	مادر خدا
۵۰	عذرای دیر ایلج
۵۲	شمایل باردار شدن حضرت حنا
۵۷	سه جوان در کوره آتش
۵۹	گیورگیز (ژرژ) قدیس

معنای شمایل

شمایل آغازین و اساسی چهره مسیح است که هم پسر خدا و هم انسان می باشد. چون پسر خدا انسان گردید، ما قادریم چهره خدا را نمایش دهیم. مسیح با داشتن سرشت الهی و سرشت انسانی در عین حال هم خدا و هم انسان است. طبق تعلیم شورای کالسیدون، شخص او این دو سرشت را بدون انتزاج و تفکیک در خود متحد ساخت و همین شخص خدا - انسان است که توسط شمایل به تصویر کشیده می شود. به همین دلیل است که دارای شمایل هائی مربوط به تولد زندگی، مرگ و رستاخیز مسیح می باشیم. اما شمایل قدیسان بر این امر تاکید می کند که پسر خدا با برعهده گرفتن سرشت انسانی، انسان را که در ظلن خطای آدم فرورفته بود، نه تنها احیاء کرد، بلکه او را به گونه ای عمیق تر به صورت خدا از نو آفرید. مسیح به وسیله نجات خود زندگی ای را که توسط فیض تغییر شکل یافته است به روی انسان باز می گشاید (۲- قرن ۳: ۱۸). بنابراین شمایل قدیسان تصویر انسان تزکیه شده و تغییر شکل یافته ای را نمایان می سازد که ملبس به زیبایی ملکوت خداست یا به عبارت دیگر تصویر یک انسان می باشد که به شمایل زنده خدا تبدیل شده است.

احترامی که برحسب سنت نسبت به شمایل مقدس ادا می شود و حرکات حاکی از احترام و محبت مثل سجده کردن، بوسیدن، روشن کردن شمع و سوزاندن بخور به هیچ وجه حرکات بت پرستانه ای نمی باشد. در همین احترام و علاقه نسبت به شمایل است که تمام ایمان کلیسا نهفته شده و به وسیله آن ها اعلام و از آن ها تغذیه می گردد.

به یاری روح القدس شمایل، ملاقات ما را با کسی که در آن به تصویر کشیده شده است تحقق و واقعیت می بخشد. ما هرچه زیادت در

مقدمه

در کلیساهای شرقی تنها زیبایی آئین های مذهبی نیست که انسان را "از زمین به سوی آسمان می برد" بلکه خود ساختمان توسط کل جنبه های تزئینی دیوارها نقاشی های دیواری، موزائیک ها و شمایل ها^۱، که از کلیسا تصویر ملکوت خدا را می سازند در این امر سهم به سزایی دارند. شمایل معمولاً بر چوب نقاشی می شود و گاهی در کتاب مقدس یا کتب نیایشی نیز به تصویر کشیده می شود.

شمایل ها عمدتاً نشان دهنده تصاویر مسیح، مریم عذرا، فرشتگان، قدیسن و دیگر موضوعات مذهبی می باشند. اما مفهوم شمایل بیش از مفهوم یک تصویر است چون فقط تن گرفتن مسیح، ساختن آن را امکان پذیر نموده است. در واقع کتاب عهد عتیق ساختن صورت خدا را مجاز نمی داند (تث ۴: ۱۲-۱۶) بنابراین، لحظه آمدن پسر خدا بر زمین زمان پیدایش شمایل است. عیسی نه تنها کلام خداست، بلکه صورت کامل (شمایل) او هم می باشد. "مسیح صورت خدای نادیده است." (کول ۱: ۱۵).

۱- شمایل: این کلمه، ترجمه عربی و فارسی کلمه یونانی "ایکون" است که به معنای تصویر می باشد، و در کلیسا به معنی تصویر مقدس مسیح قدوس و صحنه هایی از زندگی او و هم چنین تصویر زندگی مقدسین است.

چه کسانی شمایل‌ها را نقاشی کرده‌اند؟

راهبان اولین کسانی بودند که دست به کار نقاشی شمایل شدند. آن‌ها در جهانی ماوراءالطبیعه غوطه‌ور بوده و در امور زندگی روحانی، در دعا، سکوت، ریاضت و روزه غرق بودند و به خاطر مصاحبت با قدیسان، می‌توانستند صورت و رازهای آن‌ها را با نقاشی بیان کنند.

آن‌ها که به اطاعت عادت داشتند می‌توانستند با راحتی بیشتری با نیات کلیسا هم‌آهنگ شوند و نسبت به سنت و حقایق ایمان وفادار بمانند.

چگونگی پیدایش شمایل

شمایل‌نگاری به احتمال قوی در منطقه سوریه - فلسطین که مهد مسیحیت می‌باشد به وجود آمده و از هنرهای باستانی، نقاشی‌های روی دیوار، مینیاتورها و از نقاشی‌های روی قبور سنگی مصر، بسیار الهام گرفته است.



شمایل روسی قرن ۱۳

الف: شمایلی که به نام "صورت مسیح" معروف است، مربوط به سرگذشت آبکار پادشاه ادسا مربوط می‌شود. این پادشاه که به بیماری جذام دچار شده بود هیئتی نزد عیسی که در فلسطین

مقابل شمایل دعا کنیم بیشتر موفق خواهیم شد از خصوصیات کسی که در آن نمایش داده شده است، پیروی نمائیم. هنگامی که در مقابل یک شمایل به دعا مشغول می‌شویم چشمانمان به نور عیسی و در فراسوی صورت وی به سیر و تماشای حقیقت الهی وی باز می‌شود.

چرا در کلیساها شمایل گذاشته می‌شود؟

افراد همه ملت‌ها در اولین نوشته‌های خود به کشیدن تصویر و نقاشی پرداخته تا این نوشته‌ها را تزئین نمایند یا مفهوم آن را بهتر روشن سازند. کلیسا نیز تصاویری از زندگی عیسی، رنج و مرگ او، رستاخیز و صعود وی، تمام تاریخ نجات یعنی عهد عتیق و عهد جدید را به تصویر می‌کشد.

نسخه‌های خطی بسیار قدیمی (قرن پنجم میلادی) موجود می‌باشد که توسط مینیاتور تزئین شده‌اند. در کلیساهای سریانی زبان از این نسخه‌ها در برگزاری دعای روزانه استفاده می‌شود، از این رو، نسخه‌های فوق اغلب کهنه و فرسوده می‌باشند. از طرف دیگر آئین مذهبی را جزء در مقابل یک صلیب و یک تصویر مسیح نمی‌شد انجام داد.

پس از آن، دیوار کلیساها به نقاشی مزین گشت که از آن برای تعلیم مردم استفاده می‌شد. از آن جایی که مردم در آن زمان سواد نداشتند، در نتیجه قادر نبودند تاریخ نجات را در کتاب‌ها بخوانند. به علاوه کتب دارای تصاویر که از راه رونویسی تکثیر می‌گردید نایاب بود. تنها پس از پیدایش مینیاتور و نقاشی‌های دیواری، به ویژه در کلیساهای بیزانطینی بود که شمایل نقاشی شده بر چوب که امروزه در اختیار داریم ساخته شد. بدین ترتیب، کلیسا این هنرهای انسانی را گرفته، مورد استفاده قرار داد و با به کار بردن آن‌ها در آئین عبادت و تعالیم خود به آن‌ها جنبه مسیحی بخشید. زیبایی و غنای سمبل‌های موجود در این هنرها ما را بر آن می‌دارد که جلال خدا را بسراییم.

در این شمایل، مسیح انجیل را که گاهی بسته ولی در بیشتر موارد باز می باشد در دست چپ خود دارد. بعضی از سخنان عیسی بر روی صفحات آن نگاشته شده است. از جمله:

- " من راه و راستی و حیات هستم "
- " بیایید نزد من، ای تمامی گرانباران و زحمتکشان. "
- " حکم نکنید تا بر شما حکم نشود. "

در این شمایل ها، دست دیگر مسیح تقریباً همیشه در حالت تبرک دادن می باشد که توسط آن مسیح روح القدس را عطا می کند. به احتمال قوی از آن رو انگشتان مسیح به شکل X می باشد که نشان دهنده حروف اول کلمه " مسیح Chrestos است که در زبان یونانی به شکل X نوشته می شود.

هاله طلایی رنگی که سر عیسی نجات دهنده را احاطه می کند همیشه دارای صلیبی می باشد که بر روی سه انتهای فوقانی آن به حروف مجزا نوشته شده است:

" آن که هست. "

* مسیح هم چنین در شمایل های ترکیبی که نشان دهنده تصاویر رازهای زندگی خداوند می باشد به ویژه در شمایل مربوط به اعیاد مهمی هم چون میلاد و تجلی و شمایل مربوط به معجزات بزرگ مثل شفای بیماران یا زنده کردن ایلعازر و غیره و به ویژه و مهم تر از همه صلیب، نزول مسیح به هاویه (زندان مردگان) و قبر خالی او نمایش داده می شود.

ب: طبق روایتی دیگر ساختن نخستین شمایل مریم عذرا به حضرت لوقا که بیش از همه انجیل نگاران در انجیل خود در راز حضرت مریم تعمق نموده و آن را توصیف کرده است، نسبت داده می شود. گویا این انجیل نگار تصویر مادر جوان مسیح را نقاشی کرده و به این ترتیب نمونه شمایل مریم عذرا را پایه گذاری نموده است.

به تصویر کشیدن چهره عذرای قدیس همواره موضوع اصلی هنر مسیحی مشرق زمین باقی مانده است. عذرای قدیس در شمایل های بسیاری به

موعظه می کرد، فرستاد و از او درخواست شفا نمود. عیسی درخواست وی را اجابت نموده صورت خود را با قطعه پارچه ای خشک نمود و خطوط صورت عیسی نجات دهنده، به گونه ای معجزه آسا بر آن نقش بست. این نقش صورت در ادسا حفظ می شد و حامی آن شهر به شمار می آمد. این شمایل که به "صورت مسیح ساخته نشده به دست انسان" موسوم می باشد، نخستین شمایل به شمار می آید. به کسانی که با ایمان در جلوی این شمایل مسیح را ستایش کرده از او یاری می طلبند، حمایت و پیروزی بر شریر عطا می شود.

بر مبنای این شمایل، شمایل های بسیار دیگری که نشان دهنده مسیح بودند، در سنن مختلف بیزانتینی، ارمنی و غیره ساخته شدند.

* شمایل موسوم به "مسیح قادر مطلق" (کسی که تمام قدرت در آسمان و بر زمین به وی واگذار شده است)، نمونه ای از هنر "بیزانتینی" می باشد که قسمت داخلی بسیاری از گنبد های کلیساها را می آراید.



شمایل قادر مطلق، شمایل ارمنی قرن ۱۳



مادر خدا، شمایل روسی قرن ۱۳



شمایل سریانی، مریم عذرا سال ۵۸۶ میلادی

تصویر کشیده شده است، ولی نمونه های این شمایل ها مشخص می باشند و عناصری نیز که در این شمایل ها متغیر هستند، مشخص اند.

* حضرت مریم که یا به صورت تمام رخ است و یا نشسته بر تخت ("عذرای شکوهمند") عیسای طفل را بر دست دارد. عیسی را دست راست، حرکت تبرک را انجام می دهد و عذراء با دست آزاد خود، عیسی را نشان می دهد. این شیوه شمایل نگاری به نام "مریم عذرا که راه نشان می دهد"، خوانده می شود. راه، همان پسر اوست که راه، راستی و حیات می باشد. (یو ۱۴:۶)

* شمایلی به اسم "حضرت مریم رئوف" یکی دیگر از شمایل های بسیار متداول می باشد. در این شمایل صورت حضرت مریم به سوی عیسای طفل خم شده، گونه هایشان به هم چسبیده است. نگاه او که سرشار از نگرانی می باشد، گویی درد و رنج هائی را که در انتظار پسر و خود او می باشد، یعنی تحقق نجات را، از پیش احساس می نماید. عیسی با محبت خود می خواهد او را دلداری دهد. این تصویر تعمق و تاملی است در موضوع راز نجات.

* شمایل دیگری که نشان دهنده حضرت مریم با طفل است، حضرت مریم را از روبه رو در حالی که با دستان برافراشته مشغول دعا می باشد و کف دست هایش به طرف خارج گردانده شده، نشان می دهد. روی سینه او در هاله ای مدور تصویر عیسی را می بینیم که او هم در حالت دعا یا در حالت برکت دادن می باشد. این شمایل غالباً "مریم عذرای آیت" نامیده می شود. این نشانه یا آیت همان است که خدا توسط اشعیاء نبی به آحاز پادشاه یهود اعطا کرده بود: "خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینک باکره حامله شده پسری خواهد زائید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند." (اش ۷:۱۴).

شمایل عذرای آیت که نام دیگر آن "عذرای بسیار مقدس" است، یادآور راز تن گیری کلام خدا می باشد که در بطن حضرت مریم تن گرفت.

* این ها تصاویری از حضرت مریم اند که بیانگر عظمت وی و نقش اساسی او در امر نجات می باشد: عیسی نجات دهنده از وی به دنیا آمد، او در امر نجات سهیم و شریک است، او انسان ها را به سوی مسیح هدایت می کند و برای آن ها شفاعت می نماید، همان گونه که در شمایل "شفاعت" می بینیم. در این شمایل مریم عذرا در طرف راست مسیح قرار گرفته است و یحیی تعمید دهنده به عنوان پیش گام مسیح در سمت چپ او قرار دارد. حضرت مریم که به صورت نیم رخ نشان داده می شود، سرش را به طرف پائین خم کرده و دست هایش را باز کرده و به طور موازی در جلو سینه اش نگه داشته است، در حالتی که صفت مشخصه کشیشان در حال دعا می باشد. در واقع این حرکت مریم بیانگر دعای بزرگ و شفاعت بزرگ وی است: او برای همه گناه کاران شفاعت می کند. اغلب اوقات فرشتگان، رسولان، انبیا، اسقفان قدیس و عابدان کلیسا در این شفاعت همراهی می کنند.

" در تمام این شمایل مریم عذرا هم چون تصویر جمال الهی، مسکن حکمت ابدی، نمونه عابد، الگوی تعمق و شمایل جلال می درخشد...."

* بار دیگر شمایل حضرت مریم را در بالاخانه یادآوری می کنیم، که همراه با رسولان در انتظار نزول روح القدس به نیایش مشغول است. آیا او نمی تواند برای همه آنانی که در مصاحبت و گفتگوی برادرانه خواهان عمق بخشیدن به اطاعت خود در ایمان می باشند، نشانه امید باشد؟
پاپ اعظم ژان پل دوم (رساله مادر نجات دهنده شماره ۳۳)



شمایل مریم رئوف، قرن ۱۲



شمایل روسی عذرای آیت (مریم بسیار مقدس)

معرفی شمایل‌ها طبق اعیاد و ایام عبادی کلیسا

زندگی عبادی را نمی‌توان از تعمق بر شمایل جدا ساخت، زیرا تعمق شمایل همیشه از زمان نقاشی‌های دیواری بر جدارهای "کاتاکومب" یا مخفی‌گاه زیرزمینی مسیحیان اولیه در رم باستان، بخشی از آیین عبادی بوده است. همان‌طور که جماعت ایمانداران در عبادت، بر متون و سرودهای مذهبی تعمق کرده در آن احیا می‌شوند، از راه تماشا و تعمق شمایل نیز راز الهی به ایمان‌داران اعلام می‌گردد تا بدین وسیله، با قدرت روح القدس در آن تجلی یابند (ر.ک به ۲-قرن ۳: ۱۸)

همان‌طور که قبلاً گفتیم در کلیساهایی که دارای سنت سربانی بودند، آیین قربانی مقدس را جز در مقابل یک صلیب و یک شمایل مسیح نمی‌شد برگزار کرد. برای مسیحیان خاور نزدیک، شمایل هم‌چنین بخشی از دعای هر شخص را تشکیل می‌دهد، شمایل دارای اهمیت بزرگی در تمام وقایع زندگی روزانه از قبیل تولد و ازدواج و غیره می‌باشد.

شمایل "مژده فرشته به مریم"

این شمایل بر مبنای متنی از انجیل لوقا (۱: ۲۶-۱۹) ساخته شده است. پرده قرمزرنگی که بعضی اوقات زمینه پشت سر فرشته و مریم را تشکیل می‌دهد یادآور این امر است که داستان در داخل خانه ای جریان دارد.

فرشته: فرشته خطاب به مریم و هم‌چنین به ما راز تن گرفتن خدا را اعلام می‌دارد. از طریق این راز، محبت و حکمت خدا از میان ضعف و فروتنی مریم که صفات همه انسان‌ها نیز می‌باشد مکشوف می‌گردد.



شمایل سربانی نزول روح القدس سال ۵۸۶

اغلب اوقات درختی در این شمایل ترسیم شده است که نشان‌گر درخت بهشت، یعنی درخت حیات است. گاهی اوقات در کنار چشمه‌ای کاشته شده که آن نیز چشمه حیات است. در بعضی از شمایل‌ها به نظر می‌رسد که ریشه این درخت در بطن مریم جای دارد تا به ما یادآوری نماید که مریم زمینی است که منجی از آن می‌روید. سرانجام این درخت یادآور درخت حیات کتاب پیدایش و صلیب است.

تمام این شمایل به وسیله نور نهانی روح القدس منور شده است: وجود کبوتری بر نوک درخت، نماد حضور مخفی او را تشکیل می‌دهد.



شمایل سربانی مژده فرشته به مریم

دعا

درود بر تو ای مریم
ای سرشار از فیض
خدا با توست تو در
بین زنان مبارک هستی
و مبارک است ثمره بطن تو!
(لو: ۱: ۲۸ و ۴۲)



مژده به مریم، شمایل ارمنی قرن ۱۳

دست فرشته دارای حالتی قوی و در عین حال با شکوه است. در دست چپ او معمولاً عصایی سلطنتی قرار دارد که نمادی است از قدرت خدا که او را فرستاده است. حالت فرشته حالت حرکت سریع به طرف جلو است. عذرا قدیس، با جدیت و متانت و در کمال توجه با حرکت دست خود قبول و پذیرش اراده الهی را آشکار می‌نماید. اما او هنوز دوک را در دست دیگر خود دارد چون در حین کارهای معمولی زندگی روزمره است که خداوند به ملاقات او می‌آید. آن‌گاه مریم می‌گوید که: "کنیز خداوندم" در همین بی‌پیرایگی حاکی از اعتماد و سخاوتمندی است که او از قول تمام انسان‌ها به آمدن خدا" به نزد خاصانش" بله می‌گوید.

می‌شود. "در واقع نوشته‌ای که در بالای شمایل است دعای ما را متوجه "مادر خدا و عیسای مسیح" می‌سازد.

طبق نظر بعضی از پدران کلیسا، آخور نشان دهنده قربانگاری است که هم قوم یهود و هم اقوام بت پرست (گاو و الاغ که در شمایل مشاهده می‌شود. ر.ک به اش ۱:۳) دعوت شده‌اند که در یک نان سهیم گردند.

در بالا دو فرشته در حال پرستش می‌باشند و دو فرشته دیگر مژده تولد مسیح را به چوپانان اعلام می‌کنند. تحت هدایت نور ستاره، سه نفر مجوسی به سوی نجات دهنده جهان می‌آیند.

در پایین شمایل، حضرت یوسف در فکر فرو رفته و گویی شیطان او را با این شک عذاب می‌دهد که "یک باکره نمی‌تواند فرزندی بزاید." اما در مقابل او اشعیاء نبی او را با این نبوت خاطر جمع می‌سازد: "... اینک باکره حامله شده پسری خواهد زایید...." (اش ۷:۱۴) و حضرت یوسف از نور روح القدس منور گشته چنین می‌سراید: هلولیاه!

صحنه مربوط به شستشوی طفل نمایان‌گر سرشت انسانی عیسی می‌باشد و در عین حال ما را به یاد تعمید او و تعمید ما می‌اندازد: در واقع ظرفی که طفل در آن شستشو می‌شود به شکل حوض تعمید است. اما شخصیت اصلی شمایل، مادر خداست. او بر پارچه‌ای ارغوانی رنگ دراز کشیده و این رنگ نشانه آن است که او به پسرش که از خاندان داود پادشاه می‌باشد، تولد بخشیده است.

لباس حضرت مریم به رنگ قرمز تیره که رنگی زمینی است، می‌باشد، هرچند که مادر نجات دهنده است. او به طرف ما نگاه می‌کند و می‌توان گفت که در قلب خود در باره تمام راز نجات تعمق می‌کند (لو ۲:۱۹). او که در میان همه مبارک است، و نمایان‌گر تمام بشریت می‌باشد و چون به راز تن‌گیری جواب مثبت داده، مریم مادر همه انسان‌ها شده است.

سه ستاره‌ای که بر پیشانی و شانه‌های او می‌باشند، نشانه بکارت او می‌باشند. و سرانجام آسمان که هم چون نور الهی، طلایی رنگ

شمایل "میلاد مسیح"

شمایل نگاران بسیاری صحنه تولد نجات دهنده را به تصویر کشیده‌اند. شمایلی که آن را مورد تعمق قرار می‌دهیم (ر.ک ص ۲۱)، متعلق به مکتب آندره روبلف (قرن شانزدهم) می‌باشد.



تولد مسیح، شمایل سریانی قرن ۱۳

در وسط شمایل، در میان یک غار، نور عیسای نوزاد را مشاهده می‌کنیم: "نور در تاریکی می‌درخشد" (یو ۱:۵). این غار تاریک، نمایان‌گر هاویه یا زندان مردگان است. و پارچه‌هایی که به دور طفل پیچیده شده‌اند همانند کفن می‌باشند و بیان‌گر این واقعیتند که او از قبر برخاست. در آیین بیزانتین چنین می‌سرایند: "پرتو نوری، یکتا چون خدا، از آسمان گشوده شده می‌درخشد و با درخشیدن از ستاره به سه پرتو تبدیل می‌گردد (که اشاره‌ای به سه گانه اقدس است) و بر مادر و پسر نازل

شمایل "تعمید مسیح"

در این شمایل تمام توجه به نزول روح القدس به شکل کبوتر (به مثابه کبوتر طوفان نوح که شاخه درخت زیتون را به علامت صلح و رحمت در متقار داشت) بر مسیح که در آب رودخانه اردن فرورفته است، معطوف می‌باشد. در قسمت بالای شمایل، آسمان گشوده است و از میان آن سه شعله نور ساطع می‌شود. صدای پدر، پسر را به هنگام عطای روح القدس چنین معرفی می‌نماید: "این است پسر محبوب من که از او خشنودم."

در سمت چپ شمایل یحیای تعمیددهنده با یک دست مسیح را دستگذاری کرده و با دست دیگر وی را تعمید می‌دهد. یحیای پیش‌گام در حال به جا آوردن رسالت شهادت است: او شاهد اطاعت مسیح و نیز شاهد محبت ربانی نسبت به تمام بشریت است.

مسیح که عاری از هر گناه است در آب‌های تیره موت، در آب‌های گناه فرورفته است. در شمایل، او به سوی حضرت یحیی قدم بر می‌دارد و این حرکت بدین معناست که او آزادانه پیش می‌آید و سر فرود می‌آورد. پس از گذر وی از رودخانه، آبی که او با دست راستش متبرک می‌سازد به آب حیات و آب تعمید تبدیل می‌شود.

این شمایل به ما می‌فهماند که ما "به نام پدر و پسر و روح القدس" تعمید می‌یابیم. تعمید از نظر پدران کلیسا "تنویر" نیز می‌باشد چون تعمید چشمان دل ما را به حضور سه گانه اقدس در درون ما می‌گشاید. گاهی در قسمت پایین شمایل پیرمردی را در آب می‌بینیم که کوزه ای در دست دارد و نماد "رودخانه اردن در حال برگشت به عقب است"، بدین معنا که از آن به بعد تمام مخلوقات می‌توانند توسط فیض تعمید مسیح "بازگشت نمایند"، یا "توبه کنند". (مز ۱۱۴:۳).

فرشتگان به رازی که در مسیح بر آن‌ها ظاهر شده است نظاره می‌کنند و آن را پرستش می‌نمایند. آن‌ها ملبس به لباس‌های ارغوانی

می‌باشد، ما را فرا می‌خواند تا به ستایش ظهور "مسیح"، "آفتاب عدالت" بپردازیم یعنی "آن نور حقیقی که هر انسان را منور می‌گرداند" (یو ۱:۹). در واقع مبدا جشن میلاد همان جشن ظهور مسیح (۶ ژانویه) است که از آن متمایز گردیده، در روز ۲۵ دسامبر نهاده شد. پس تعمق ما با یک شادمانی بسیار مقدس پایان می‌یابد در حالی که روح القدس به ما ندا در می‌دهد:

"مسیح متولد می‌شود، او را جلال دهیم
مسیح از آسمان نازل می‌گردد، به ملاقات او برویم
مسیح بر روی زمین است، ای تمام ملت‌ها
بگذارید شادی شما بدرخشد."



تولد مسیح، شمایل بیزانتین قرن ۱۶

سرود

"ای تمامی
مخلوقات شادمانی
خود را ابراز کنید
حمد و ثنای خود را در
مقابل نور شگفت
انگیز که در میان ما
ظاهر گشت، رساتر
نمایید.

زیرا جسمان از
جلال او درخشان شد و
زمین و زمان را مسرور
گردانید."

(اقتباس از مراسم
نماز کلیسای آشوری و
کلدانی)

دعا

ای خداوند، خدای ما
 تو را که انبوه فرشتگان
 بی وقفه جلالت را می سرایند،
 ستایش می کنیم
 به تو ای که به خاطر محبت،
 خود را خوار نموده
 به سرشت ما در آمدی
 امید می بندیم
 خود را به دست شفقت
 و رحمت تو می سپاریم
 عطایای خود را
 بر قلوب ما بگستران
 چون تو یگانه نیکویی،
 و یگانه دوست انسان‌هایی.



تعمید مسیح، شمایل ارمنی قرن ۱۳

شمایل "تجلی مسیح"

تجلی خداوند عیسی در متون سه انجیل آورده شده است. متن انجیل متی چنین است: "عیسی، پطرس، یعقوب و برادرش یوحنا را برداشته ایشان را به کوهی بلند برد و در نظر ایشان هیئت او متبدل گشت و چهره اش چون خورشید درخشیده و جامه اش چون نور سفید گردید که ناگاه موسی و الیاس بر ایشان ظاهر شده با او گفتگو می کردند" (مت ۱۷: ۱-۹).
 " تجلی" در بسیاری از شمایل‌ها نمایش داده می شود. اینک دو نمونه از آن‌ها را شرح می دهیم:

هستند، چون محبت خدا در آن‌ها منعکس می شود. دست‌هایشان به علامت احترام پوشیده است. آن‌ها نماد و بیان گر سخنان پولس قدیس می باشند که گفته است:

" همه شما که در مسیح تعمید یافتید،
 مسیح را در برگرفتید... " (غلا ۳: ۲۷)



تعمید مسیح، شمایل سریانی قرن ۱۳



شاگردان که نور شدید مسیح چشمانشان را کور کرده است، در حالت سجده هستند. در سمت چپ شمایل، پطرس قدیس زانورده دستش را مقابل چشمانش نگاه می‌دارد. در وسط یوحنا قدیس و در سمت راست یعقوب قدیس که صورت خود را با دست‌هایش پوشانده است قرار دارند. در سمت چپ شمایل، عیسی به همراه شاگردان از کوه بالا می‌رود و در سمت

راست عیسی بعد از وقوع معجزه در جلو شاگردان از کوه پایین می‌آید.

طبق متن انجیل، عیسی با الیاس و موسی گفتگو می‌کند. ما آن‌ها را سرگرم این گفتگوی روحانی می‌بینیم. از سوی دیگر شمایل نگار، فرشتگان را که از میان ابرها راه را به الیاس و موسی نشان می‌دهند از یاد نبرده است. پطرس فریاد برمی‌آورد: "بودن ما در این جا نیکو است." او مراتب شیفتگی خود را از یافت شدن در حالت آغازین دنیا اظهار می‌کند، دنیایی که خدا پس از آفریدن آدم آن را دیده و گفته بود که "نیکو است".

بدین ترتیب است که خدا دنیا را، گرچه حقیقت آن هنوز پنهان می‌باشد، خلق کرده است. با این حال پرده در بالای کوه تجلی کنار رفت و شاگردان قبل از این که به وحشت بیفتند همان گونه که حضرت متی می‌گوید کمال شادی را احساس نمودند.

اولین شمایل "تجلی"، شمایلی روسی می‌باشد که این اثر در ابتدای قرن پانزدهم خلق شده است.



تجلی مسیح، شمایل روسی قرن ۱۵

صحنه ترس و وحشتی که در اثر معجزه تجلی به وجود می‌آید، طبق سنت در قسمت پایین ایکون نشان داده می‌شود. شاگردان بر زمین افتاده‌اند. پطرس در سمت راست، سرش را قدری بلند کرده، ولی چون نوری که ساطع می‌شود برایش غیرقابل تحمل می‌باشد، چشمش بر زمین دوخته شده است، الیاس نبی در سمت راست عیسی و موسی، با در دست داشتن طوماری که نماد لوحه‌های شریعت است، در سمت چپ او ایستاده و با عیسی در جلال خدا سهیم می‌باشند. در شمایل دیگری که تئوفان یونانی (در اواخر قرن چهاردهم میلادی) آن را به تصویر کشیده، روایت انجیل در کمال وفاداری با نمادهایی گویاتر ترسیم شده است.

دایره شاگردان: دایره اتحاد از مسیح آغاز گشته و به سوی او برمی‌گردد، بدین معنی که مسیح راز خود را به شاگردان عطا می‌کند و در اوست که راز کلیسا به کمال می‌رسد: این است ثمره عشاء ربانی.



شام آخر، شمایل سربانی سال ۱۲۲۰ م

مسیح: مسیح ملبس به لباسی تیره است. الوهیت وی هنوز توسط سرشت انسانی اش پنهان می‌باشد. هاله دور سر او که علامت صلیب را در بردارد، مرگ او را به ما یادآوری می‌کند. دست وی که در حالت برکت دادن است، به جام اشاره می‌کند. این حرکت، حرکتی است که بعداً تمام کشیشان به "یادبود او" تکرار خواهند نمود.

امروز همه چیز به وجود آمده زیرا نور الهی تمام طبیعت را منور ساخته است و به همین دلیل با شادی فریاد برمی‌آوریم: "مسیح، نجات دهنده دنیا، متجلی شده است."

دعا

ای مسیح تو که نور از نور می‌باشی
از جانب پدر فرستاده شدی
و در بطن باکره مقدس تن گرفتی
تا انسان را که از شکل افتاده، از نو بیافرینی
تو که خداوندی، بر روی زمین ظاهرگشتی
تو همراه انسان‌ها شدی
و عالم را از لعنت مرگ رهانیدی
خداوندا، پرتوی سیمای خود را بر ما بیفکن
تا در نور تو، جهان را نظاره کنیم.

(دعای ارمنی - کتاب "دعاهای شرقی کلیساها")

شمایل "شام آخر خداوند عیسی"

این شمایل در عین این که تمام محبت خداوند عیسی را در حالی که خود را عطا می‌کند، نشان می‌دهد، نمایان‌گر حرکت یهودا نیز هست که می‌خواهد به استادش خیانت کند.

یک مستطیل که به وسیله ستون‌های پوشیده از مخمل محدود می‌شود نماد "اتاق بالاخانه" است که در آن جا عیسی شاگردان خود را برای برگزاری آخرین عید گذر گردهم آورده است. در داخل مستطیل میز "مشارکت در نان و شراب" که به شکل دایره است، قرار دارد و شاگردان به همراه عیسی به دور آن جمعند.

گناهان ما را با خون گران قدر خود ببخشای
 قلب‌های ما را با روح قدوس خود بیالای،
 ای مسیح، امید آدمیان.

(از نماز کلیسای آشوری - دعای قبل از تناول تن و خون مسیح)



شام آخر، شمایل ارمنی قرن ۱۳، مقارن با فتوحات مغول‌ها

شمایل "تصلیب"

در این شمایل، تصویر مسیح مصلوب جلوه خاصی دارد زیرا بر زمینه روشن دیوارهای سفید واقع شده. عیسی در خارج از حصار شهر اورشلیم به صلیب کشیده شد. او از افرادی که در پایین در سمت راست و چپ صلیب قرار دارند، جدا می‌باشد. حتی صلیب هم به رنگ تیره است، بدن مسیح را به گونه‌ای برجسته نشان می‌دهد. صلیب به عنوان درخت واقعی حیات

عیسی، یهودا را با حالتی غمگین نگاه می‌کند. اما یهودا تاب تحمل فروغ این چهره پررحمت و نجات‌دهنده را ندارد. او همیشه به صورت نیم رخ تصویر می‌شود و دستش را به طرف بشقاب دراز کرده. او بدون شک مسیح را دوست می‌داشته ولی نه تا به آخر. او نتوانست به خداوند خود به طور کامل اعتماد کند.

یوحنا: یوحنا بر سینه مسیح تکیه داده است. اما دست‌هایش در حالت دعا برافراشته می‌باشد. نگاه وی نه با ما و نه با شاگردان دیگر در ارتباط می‌باشد. بلکه او با خدای خود اتحاد عمیقی برقرار کرده است.

شاگردان: نگاه مسیح بر روی هر یک از آن‌ها و فراسوی آن‌ها بر ما دوخته شده. پطرس دستش را بلند کرده سوال می‌کند. رفتار و لباس‌های هر یک از شاگردان متفاوت است، به مانند کلیسا که با وجود گوناگونی‌های خود، جهت اتحادی بهتر، برای هر شخص احترام قائل است. در این جا مشارکت سه‌گانی اقدس برقرار است.

گاهی نوشته‌ای بدین مضمون بر شمایل قرار دارد: "تازمانی که او برگردد." در واقع از آن به بعد تازمانی که "برگردد". هر بار که ما یادبود او را برگزار می‌کنیم عیسی بر سر میز سپاسگزاری "می‌آید." در آیین سپاسگزاری در عین حال که عیسی حضور دارد، آمدن او را خواستار می‌شویم.

ما هم مثل شاگردان در قلب این شمایل، در عین این که از حضور وی شاد هستیم، هنوز در انتظار بازگشتش به سر می‌بریم.

دعا

ای پسر یکتا.

ای که تن و خون خود را به ما می‌دهی

ما را در ملکوت خود زندگانی عطا فرما.

تن‌های ما را با تن قدوست خود به تقدس رسان

اصولاً در شمایل‌ها مسیح هرگز در حالت درد و رنج احتضار دیده نمی‌شود. مسیح مرده بر صلیب دارای وقار و متانتی شاهانه است زیرا: او که خدا و انسان قربانی خویشتن را داوطلبانه جهت نجات تمام بشریت به پیش‌گاه پدر تقدیم نموده است.

در بالای شمایل فرشتگان فوقانی به پرستش مشغولند و دست‌هایشان به علامت احترام پوشیده است، فرشتگانی که پایین‌تر قرار دارند با در دست داشتن نمادهای کلیسا و کنیسه در پروازند.

در یک طرف مادر او ایستاده است و با یک دست صلیب را نشان می‌دهد و با دست دیگر سعی می‌کند هق‌هق گریه خود را پوشیده نگاه دارد. سه زن دیگر وی را نگاه داشته و تسلی می‌دهند.

در طرف دیگر یوحنا‌ی شاگرد قرار گرفته که به نظر می‌رسد که راز عظیم نجات را مورد تامل قرار داده است. در پشت آن‌ها افسر رومی مسیح مصلوب را با احترام و بهت می‌نگرد.

تمام رنگ‌های به کار برده شده در شمایل، بیان‌گر حالت آرامش و صلح می‌باشند.

شمایل فراتر از درد و رنج تصلیب ما را در تعمق این واقعیت فرو می‌برد که ایمان داشته باشیم که نجات دهنده آویخته بر صلیب، همیشه خداوند همه چیز و همه کس باقی می‌ماند.

سرود

ای ناجی چگونه صلیبت را حمد گوئیم
که وجود آن استواری زندگان و هرذی حیات
و عدم آن نابودی هر موجود است
و آن نور واقعی است که جهان را روشن می‌کند.
(سرودی از کلیسای بیزانتین)

در اعماق زمینی کاشته شده، جایی که طبق سنت، جمجمه حضرت آدم در آن جا قرار دارد، تا این درخت حیات، مرگ را از آن جا بیرون راند.

عیسی مسلط است زیرا با وجود بی‌حرکت بودن جسد که توسط بسته بودن چشم‌ها نمایان می‌گردد، بر چهره عیسی حالتی از صلح و صفا و حتی پیروزی نقش بسته است زیرا: "او با مرگ خود بر مرگ غلبه کرد." بدن او



تصلیب، شمایل روسی قرن ۱۵

در یک حالت رقص مانند قدری به طرف چپ متمایل است. در واقع خداوند مسیح از این که بشریت را نجات داده است، شادمان می‌باشد. دستان لاغر و گشوده اش، به حالت دعا به طرف بالا بلند شده است. و به نظر می‌رسد که قصد دارد دنیا را در آغوش بگیرد.

در شمایل سنت ارمنی و سریانی مسیح ردای آبی الوهیت را بر جامه سرخ رنگ انسانیت و خاکی بودن پوشیده است.

در پایین شمایل، در ظلمات هاویه، میخ‌ها، زنجیرها و همچنین درهای شکسته که نشانه پیروزی مسیح بر مرگ می‌باشند، مشاهده می‌شوند.

چهره‌هایی که مسیح را احاطه می‌کنند به غیر از آدم و حوا که در حالی که از قبرهای خود بیرون می‌آیند به خوبی مشخص هستند، صالحان عهد عتیق می‌باشند. مثل داود، سلیمان، موسی، الیاس و یحیی تعمیددهنده... آنان همراه با همه کسانی که این صالحان نمادشان می‌باشند، به عبارت دیگر همراه با خود ما و تمام آن‌هایی که رستاخیز را می‌سرایند، با خوشحالی از مسیح استقبال می‌کنند.

دعا

همراه با آن‌ها ما می‌توانیم این چنین دعا کنیم:
 "مسیح از میان مردگان برخاسته
 با مرگش بر قدرت مرگ پیروز است
 و به مردگان زندگانی عطا می‌کند."

شمایل "فرو رفتن عیسی در هاویه"

این شمایل فرو رفتن مسیح به هاویه یعنی زندان مردگان یا جایگاه ناامیدی کامل ما را بعد از مرگش نشان می‌دهد. (مت ۲۷: ۵۱-۵۳؛ ۱-پطرس ۳: ۱۹-۲۱) او درهای زندان مردگان را با صلیب خود درهم می‌شکند. و آدم و حوا را که نماینده تمام انسان‌ها می‌باشند ملاقات می‌کند تا آنان را از ظلمات مرگ و گناه نجات داده تا به سوی خود، به سوی روشنایی خدایی بکشاند.

در شمایل بیزانتینی دایره آبی سبزفام که دور سر مسیح را احاطه کرده است بیان‌گر الوهیت او و لباس سفیدش نشانه جلال خدایی است (همانند لباس‌های سفید در شمایل "تجلی").



فرو رفتن عیسی در هاویه، شمایل سریانی سال ۱۲۲۰ م

شمایل "صعود مسیح"

شمایل‌ها همواره ملهم از متون انجیل می‌باشند. شمایل "صعود از متن انجیل لوقا (۵۰:۲۳-۵۳) و اعمال رسولان (۹:۱-۱۱) الهام گرفته است در این شمایل دو سطح قابل تشخیص اند:

در بالا: مسیح در حلقه‌ای از گوی‌های کیهانی که از هم اکنون جلالش در آن‌ها مشعشع می‌باشد به آسمان صعود می‌کند. فرشتگان صعود او را بدرقه می‌کنند، فرشتگانی که حزقیال نبی (۱۸:۱۰-۱۹) هنگام تشریح جلال خدا از آن‌ها سخن می‌گوید.

در پایین: گروه مریم عذرا و رسولان قرار دارند، یعنی نور مسیح که از این پس نامرئی می‌باشد، تماماً کلیسا را در برمی‌گیرد. مسیح با حرکات دست، تمام برکات را بر کلیسا می‌افشاند. بعضی اوقات در حرکتی متقابل دست‌های برافراشته فرشتگان به آسمان اشاره کرده و انسان را به ایمان و امیدواری دعوت می‌کنند.



صعود، شمایل از صومعه تورعبدین سال ۱۲۲۲ میلادی

سرود



ای مسیح، تو از قبر برخاستی
ای زندگی و منجی من
هنگامی که در میان مردگان
مرده و در عین حال زنده
درهای هاویه را درهم شکستی
ای مه بر صلیب بالا برده شدی
همه زندگان را با خود بالا بردی
و چون در هاویه فرورفتی
همه آنانی را که در مرگ
خفته بودند، برخیزانیدی.
(سرودی از کلیسای بیزانتین)

شمایل ارمنی سال ۱۲۸۷ م



شمایل روسی قبر خالی قرن ۱۶ م

دعا

"مسیح از میان مردگان برخاسته
با مرگش بر قدرت مرگ پیروز است
و به مردگان زندگانی عطا می‌کند."

واقعه ای که در آن واحد مربوط به گذشته و حال می‌باشد. در واقع امروز نیز توسط انسانیت مسیح جلال یافته است که روح القدس را می‌یابیم، روح القدس که کلیسا را تشکیل می‌دهد و شهادت آن را میسر می‌کند و آن را انتظاری امیدوار و فعال می‌بخشد تا آمدن پرجلال خداوند.

ای تمام ملت‌ها دست بزنید و در مقابل خدا با فریادهای شادی جشن بگیرید. زیرا مسیح که زمین و آسمان را به هم پیوند داد به آنانی که او را دوست می‌دارند چنین می‌گوید: "اینک تا پایان جهان با شما هستم."

دعا

ای مسیح،
شکوه و جلال بر تو باد، چون امروز
از زمین پیروزمندانه به سوی پدر صعود می‌کنی
و تمامی ستمدیدگان روی زمین را
به دنبال خود می‌کشانی.

شمایل صعود مسیح - نزول روح القدس

در قرن اولیه، مسیحیان در شادمانی عید گذر، هم‌زمان، رستاخیز خداوند، صعود پرجلال او، عطیه روح القدس را به انسان‌ها و حتی آمدن دوم مسیح را در پایان زمان جشن می‌گرفتند.

در شمایل‌های سریانی و ارمنی، تصویر از دو قسمت تشکیل شده است: در قسمت فوقانی، مسیح در نور جلالش، کتاب کلام خدا را در یک دست دارد و با دست دیگرش برکت می‌دهد. اغلب فرشتگان در اطراف او قرار دارند.

در این جا مریم مادر خداوند ما در مرکز قرار گرفته است: او محور گروه و نشانه کلیسا می‌باشد و درست در زیر مسیح نمایش داده شده است. شکل کشیده و سکون وی سمبل ایمان تغییرناپذیر کلیسا می‌باشد. در حالی که نگاه رسولان به سوی مسیح معطوف شده است، نگاه مریم از اعماق درونش به افق‌های بسیار دوردست دوخته شده و تمام انسان‌هایی را که تحت شفاعت او قرار دارند در برمی‌گیرد.

شاگردان گروهی را تشکیل می‌دهند که از نظر وضع قرار گرفتن و رنگ تن پوش‌ها هم دارای وحدت بوده و هم گوناگونی را نشان می‌دهد. در شمایل دوازده رسول را می‌توان شمرد که این تعداد جنبه تاریخی ندارد زیرا متیاس هنوز انتخاب نشده بود و این که پولس در رأس یک گروه از رسولان قرار دارد و پطرس در رأس دیگر. هدف آن نیست که یک واقعه تاریخی را آن‌گونه که رخ داده است نشان دهد، بلکه عدد دوازده نمایان‌گر کمال جماعت رسولان و کلیسا است که مسیح وعده می‌دهد روح القدس را به خاطر شهادت بر آن بفرستد و این که تا بازگشتش به همراه آنان خواهد بود.

در دایره بالامسیح در حال صعود است و نور بی‌پایان خود را بر همه چیز می‌افشانند. او از این به بعد در پس نور الهی برای انظار انسانی، نامرئی می‌گردد و فقط به یاری روح القدس می‌توان او را مشاهده کرد. طومار نوشته‌های مقدس در دست گسترده او قرار دارد. تن پوش او سفید و درخشان نیست زیرا او با انسانیت خویش به سوی پدر خود روانه است. خدا توجه خود را به دنیا معطوف می‌دارد و دنیا به ملاقات خدای خود می‌رود.

احساس صلح و دعا و ستایش همه چیز را در برگرفته است زیرا در جایی که سر یعنی مسیح قرار دارد، امیدواری سرشار از شادی بدن نیز که کلیساست، یعنی همه ما را فرا می‌گیرد. پس این شمایل صعود خداوند عیسی آن‌چه را که رسولان دیدند برای ما حاضر می‌کند:

دعا

«ای عیسی، به ما خادمانت که در زیر بار غم خم شده ایم
تسلایی عظیم و پایداری عطا کن
در رنج هایمان از ما دور مشو
بلکه ما را همواره از یاریت برخوردار گردان
همان گونه که همیشه در کنار رسولانت بودی
نزد ما و در کنار ما نیز باش، ای که همه جا حضور داری
به نزد کسانی که خواهان تو اند بیا، ای سرشار از رحمت
تا در اتحاد با تو روح قدوست را جلال دهیم.»

(سرود کلیسای بیزانس)

شمایل "پنطیکاست"

برخی از شمایل‌های پنطیکاست ملهم از اعمال رسولان (باب ۲)
دارای طرحی بسیار مشخص، تحت تاثیر آیین عبادت می باشند.
رسولان به طور دایره وار قرار گرفته اند و در بعضی از شمایل‌ها بین
آن‌ها یک جای خالی به چشم می خورد که جای خداوند است که مورد
انتظار می باشد و به ندرت حضرت مریم در آن جای دارد، اما بیشتر اوقات
وی حضور ندارد.
همیشه در بالای شمایل یک سرچشمه نورانی وجود دارد: خورشید یا
ستارگان و بعضی مواقع کبوتری نیز به چشم می خورد و گاهی اوقات خیر.
در بعضی موارد شعله‌هایی به رنگ طلایی یا نارنجی روی سر هر رسول
دید می شود.



صعود مسیح و نزول روح القدس، شمایل ارمنی قرن ۱۴

در قسمت پایین، در وسط، حضرت مریم ایستاده است که دستان خود
را به حالت دعا باز کرده. رسولان گرداگرد او قرار دارند.
* در این شمایل ارمنی، رسولان با یک دست مریم را نشان می دهند
و با دست دیگر به سوی آسمان اشاره می کنند، به جایی که روح القدس از
آن نازل می گردد. حالت آنان بیان گر آن است که کلیسا مثل حضرت مریم،
روح القدس را اکنون و همیشه می پذیرد حضرت مریم نشانه کلیساست که
باید بی وقفه به درگاه خداوند دعا کند، نگاه او متوجه ماست:
برای ما شفاعت می کند. او هم چنین بیان گر حالت کلیساست در
زمان آخر وقتی مسیح را که با جلال خود می آید، خواهد پذیرفت.
دوازده رسول که نمایان گر تمام کلیسا می باشند، در شمایل تصویر
شده اند. آنان توسط روح القدس دگرگون گشته اند تا در سپاسگزاری خدا
و بشارت انجیل به جهان بسر برند.

بعضی اوقات طومار یا کتاب کلام خدا در دست رسولان دیده می‌شود. هم‌چنین در برخی موارد ساختمان‌هایی که نشان‌گر بالاخانه هستند که حالت کلیسا را دارند و بیان‌گر آن می‌باشند که از این پس خدا را در کلیسا ملاقات می‌نماییم. نور او به بشریت که در پایین شمایل (در غاز یا زندان) نشان داده شده است، می‌رسد.

در پایین شمایل در کنار در بالاخانه، امت‌ها حیرت زده نزدیک می‌شوند زیرا می‌شنوند که این مردان جلیلی به زبان‌های خودشان سخن می‌گویند.

در سنت شمایل‌نگاری بعدها این جمعیت به یک شخص تقلیل یافته که نماینده تمام بشریت می‌باشد. وقتی که انسانیت ما بشارت رسولان را بپذیرد به صورت ملوکانه در می‌آید و این شخص تاجی بر سر دارد چون در دستش طومار بشارت رسولان را می‌پذیرد.

گاهی این شخصیت یک مرد کهنسال است (که نماد جهان می‌باشد) که توسط مژده انجیل به حیاتی نوین تولد می‌یابد.

دعا

"ما پنطیکاست و آمدن

روح القدس را جشن می‌گیریم

تحقق وعده و به انجام رسیدن

امید چه راز شگفتی!

چقدر عظیم و قابل ستایش است!

از این رو فریاد برمی‌آوریم:

ای خالق جهان،

جلال بر تو باد."

(دعای کلیسای بیزانتین)



پنطیکاست، شمایل روسی قرن ۱۵

پطرس همیشه قابل شناسایی است: او دارای موهای سفید و مجعد و ریشی مدور است. پولس نیز مشخص است: او دارای سری کم مو و ریشی قهوه‌ای می‌باشد هرچند که از نظر تاریخی جای وی آن‌جا نیست! و هم‌چنین لوقا و مرقس نیز با این که از نظر تاریخی جایشان در آن‌جا نیست، گاهی در این شمایل حضور دارند چون در این شمایل حضور تمام کلیسا نشان داده می‌شود.



رحلت حضرت مریم، شمایل روسی قرن ۱۶

مریم بر روی بستری آرامیده نمایش داده شده است، در حالی که رسولان و فرشتگان گرداگرد او را فرا گرفته اند مسیح آمده است تا روح مادرش را که به شکل یک نوزاد قنداق شده است در دستان خود بگیرد؛ مرگ تولدی نوین است.

بر روی برخی شمایل دیگر، کمی بالاتر از این صحنه، حضرت مریم در حالی که باز به شکل طفل قنداق شده ای ترسیم شده است، توسط فرشته ای که دستانش به نشانه احترام پوشیده است، وارد بهشت می‌گردد. جلال یافتن مادر مسیح خداوند ما، وعده جلال یافتن همه بازخیرشدگان است.



بنطیکاست، شمایل سریانی قرن ۶

شمایل "رحلت حضرت مریم"

«ای دروازه‌ها باز شوید، تا در میان شادمانی جهانیان" در خداوند" وارد شود او که پیوسته رحمت عظیم را برای جهان شفاعت خواهد نمود.»

*

این شمایل مربوط به جشن بر شدن حضرت مریم به آسمان در روز ۱۵ اوت می‌باشد. طبق سنت، رسولان گرد او جمع شده اند و مسیح آمده است تا روح او را با خود ببرد.



سه گانه اقدس، شمایل روسی قرن ۱۵

در وسط مسیح قرار دارد:

ردای او آبی پررنگ است. به آسانی می‌توان دریافت که وی عیسی است، خداست که خود را برای چشمان ما مرئی ساخته است. در زیر ردای آبی رنگ، جامه‌ای قرمز رنگ به تن دارد، به رنگ خونی که بر صلیب برای ما ریخت.

سرانجام شخص سوم نمایانگر روح القدس است. جامه او نیز آبی روشن است. زیرا او هم می‌خواهد خدا را به ما بشناساند. او به ما می‌آموزد که خدا را ببینیم. ردایی سبز رنگ در بردارد که نماد آب و حیات است: روح القدس در روز تعمیدمان هم چون نهر آب حیات به قلب‌های ما جاری شده و ما را از حیات الهی سرشار ساخته است.

در وسط این سه شخص، بر روی میز، جامی قرار دارد که نگاه سه شخص متوجه آن است. این جام حیات و شادمانی است. نوشیدن از یک جام، سهیم شدن در یک شادمانی است، شادمانی با هم بودن. این جام، حیات خداست، قلب خدا در بردارنده شادی و حیات است.

دعا

"ای مریم، از تولدت شادمان شدیم
 هنگام بارداریت سرشار از وجد گشتیم
 امروز در بازگشت به خانه پدر
 از خوشحالی پایکوبی می‌کنیم
 نه تنها مسیح تو را هنگام تولدت
 تقدس نمود
 بلکه با ورودت به ملکوتش
 تو را جلال بخشید
 او تو را در جلال به ملکوتش پذیرفت
 همان پسری که تو او را با ایمان
 در بطن خود پذیرفتی."

شمایل "سه گانه اقدس"

این شمایل که یادآور ملاقات ابراهیم با سه ره‌گذر در زیر درخت بلوطستان ممری است (پید ۱:۱۸-۱۵) توسط آندره روبلف نقاشی شده است که اخیراً در شمار قدیسین اعلام گردید.

در آن، سه شخص را می‌بینیم که به دور یک میز نشسته‌اند. جلوی آنان گویی یک مکان خالی هست، مکانی برای شخصی که باید بیاید تا با این سه شخص سخن گوید. این مکان برای هر یک از ماست، هنگامی که نزد خدا خواهیم بود. پدر، پسر و روح القدس ما را خواهند پذیرفت و ما خدا را رو به رو خواهیم دید. حال به بیان یکی از توضیحات ممکن در مورد این سه شخص می‌پردازیم:

رنگ آبی جامه‌ها، رنگ الهی است، آن که به رنگ آبی کم رنگ ملبس است، نشان‌گر پدر می‌باشد. او پدر نادیدنی است. دو شخص دیگر به او نگاه می‌کنند، زیرا پسر و روح القدس از پدر می‌آیند.



مادر خدا، شمایل روسی قرن ۱۲

حضرت مریم: حضرت مریم تن پوشی به رنگ تیره در بردارد، بدین معنا که او متعلق به زمین است. اما این لباس دارای حاشیه طلایی است که چند واقعیت را می‌رساند: اول آن که بیان‌گر جلال یا تقدس آن کسی می‌باشد که "پراز نعمت" خداست. دوم آن که نور آسمانی در تمام وجود حضرت مریم نفوذ کرده است.

این نور هم‌چنین به منزله نور تعلق کامل به خداست و نیز نور بکارت وی که به وسیله سه ستاره ای که بر پیشانی و شانه‌هایش نقش بسته است بیان می‌شود. صورت وی مملو از رأفت و مهربانی ناگفتنی است که

ما دعوت شده ایم که در این حیات و شادمانی، در این محبت الهی سهیم گردیم. هریک از ما از دیدگاه خدایی همتاست، ولی باید به اتفاق یکدیگر به دور این یکتا جام گرد آییم و به دعوت شمایل گوش فرا دهیم: "ای پدر قدوس آنان را که در نام خود داده ای، نگه دار تا آنان هم چون ما یکی گردند." (یو ۱۷:۱۱)

دعا

«خدای قدوس
قدوس و قادر
قدوس و جاویدان
بر ما رحم فرما»

معرفی دیگر شمایل‌ها

شمایل "مادر خدا"

شمایل "رأفت" که نام دیگرش شمایل "مادر خدا" از ولادیمیر می‌باشد، شمایلی است روسی مربوط به اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم.

نام این شمایل مربوط می‌شود به شهر "ولادیمیر" که یکی از قدیمی‌ترین شهرهای روسیه بوده و در ۱۶۰ کیلومتری شهر مسکو قرار دارد. شمایل "ولادیمیر" همیشه از سوی مردم روسیه مورد احترام فوق العاده بوده است.

انسان‌ها را به دعوت خدا تعمق کنیم. این شمایل به راستی شمایل مشارکت است که نماد کلیسا می‌باشد، مشارکت خدا با انسان‌ها و انسان‌ها با خدا، یعنی راز عهد و محبت متقابل.

دعا

ای مریم شفاعت کننده
در توست که شادی تمام بشریت سرچشمه می‌گیرد
و در انتظار حمایت تو است
زیرا که یگانه پناگاه انسان، تو هستی
و اکنون من هم با تمام شور و اشتیاق خود
نزد تو آمدم
زیرا شهامت نزدیک شدن به پسر تو را
در خود نمی‌یابم و از این رو شفاعت تو را
برای نجات یافتن خود، استغاثه می‌نمایم
ای تویی که مهربانی، تویی که مادر هستی
مادر خدای سرشار از رحمت، بر من رحم کن.
(دعای یفرم قدیس قرن چهارم میلادی)

شمایل "عذرای دیر ایلج"

این شمایل در دیر ایلج واقع در لبنان پیدا شده است.
طرح این شمایل نمایان‌گر "عذرای مقدس است که راه را نشان می‌دهد"، این راه پسر اوست ("من راه و راستی و حیات هستم")
(یو ۱۴:۶). این شمایل دارای سبک سریانی و بسیار باستانی است یک نقاشی دیواری مربوط به قرن هشتم می‌باشد.

مبدأ پیدایش آن ناحیه بین النهرین، حوالی شهر ادسا است، جایی که می‌توان تأثیر سبک‌های آشور - بابلی و پارسی را یافت. تأثیر سبک این شمایل را تا جورجیا در ارمنستان و روسیه می‌توان پیدا کرد.

اسرارآمیز بوده و در عین حال به غمی عمیق آلوده می‌باشد: "و مادر او تمامی این امور را در خاطر خود نگاه می‌داشت." (لو ۲:۱۵) و در قلب تو نیز شمشیری فرو خواهد رفت" (لو ۲:۳۵).

عیسای طفل: مرکز طرح شمایل در سطح گردن نیرومند عیسای طفل واقع است. بزرگی زیاده از حد گردن طفل نمادگر "نفس روح القدس" است که به کمال در وی سکنی دارد و از او سرچشمه می‌گیرد و بر انسانیت ما افاضه می‌شود.

عیسای طفل با رأفتی بی‌پایان، گونه اش را به گونه مادرش چسبانده است که سرشت بشری خود را از وی دریافت نمود. چهره جدی وی چهره یک طفل نیست. این چهره حکمت الهی را منعکس می‌کند. نقش پارچه تن پوش وی راه راه و به رنگ قهوه ای قرمزفام بر زمینه طلایی می‌باشد. این رنگ‌ها در عین حال نماد الوهیت وی و نیز خون ریخته شده او می‌باشد.

* * *

چشمان حضرت مریم مستقیماً متوجه طفل که در بازوان خود می‌فشارد نمی‌باشد اما با این حال نگاه باطنیش که کاملاً بیدار است به طفل دوخته شده و در عین حال متوجه ما انسان‌ها بوده و ما را در برگرفته، در ما تعمق می‌کند. حضرت مریم که نشانه کلیسا در کمال خود می‌باشد، در عین حال که نجات را با خود حمل می‌کند، تا زمانی که حتی یکی از ما از فرزندانش از مرگ، رستخیز نکرده باشد، در انتظار آن به سر می‌برد. در اوست که ما انسان‌ها از کمال پذیرفته شدن در کلیسا و هدایت شدن به سوی پسرش برخوردار می‌شویم.

حال حرکت دست‌ها را بنگریم. دست حضرت مریم، عیسی را به ما نشان می‌دهد، اما دست راست عیسی مادرش را نشان می‌دهد، در حالی که دست چپش به دور گردن مریم حلقه زده. این حرکت‌ها ما را بر آن وا می‌دارد که هم محبت بی‌حد خدا نسبت به ما انسان‌ها و هم جواب

این شمایل یادآور پدران ماست که با ایمان و دعا و کوشش به سوی مسیح بر آن می‌نگریستند و تعمق می‌کردند و ما نیز به دنبال آنان مریم را به عنوان مادر خود پذیرفته در ایمان و دعا و کوشش ایشان سهیم می‌شویم.

دعا

درود بر تو ای مریم پر از نعمت،
خدا با تو است،
میان همه زنان تو خجسته هستی
و عیسی، میوه درون تو خجسته است.

شمایل "باردار شدن حضرت حنا"

با استفاده از این شمایل حیرت‌انگیز می‌توانیم منبع پیدایش چندین شمایل را در سنت کلیساها درک نماییم.
پیدایش دوره اعیاد خداوند، از قرن چهارم، طبق عادت، به زیارت سرزمین مقدس یعنی محل وقوع اتفاقات زندگی مسیح باز می‌گردد. این امر نمایان‌گر اهمیت کلیسای اورشلیم و به خصوص دیر حضرت صبا در دره قدرون است، جایی که راهبان ضمن پیروی از کتاب مقدس برای خلاقیت روحانی موجود در نوشته‌های تحریفی نیز اهمیت قائل بودند. این منبع الهام اغلب اوقات در موضوع شمایل‌هایی که کاملاً وابسته به متون آیین عبادت می‌باشند، منعکس گشته است.



عذرای دیر ایلچ، شمایل قرن ۸

شمایل مریم در حال برکت دادن، توسط پناهندگان سریانی در ایتالیا پخش گردید. یکی از این شمایل‌ها در سراسر دنیای مسیحی پخش شد و توسط راهبان حتی به چین و اتیوپی نیز برده شد.
در دو طرف سر حضرت مریم اشکال خورشید و ماه قرار دارند که نمایان‌گر تمام آفرینش می‌باشند. که همراه با حضرت مریم خدا را سپاس می‌گوید. به علاوه روی حضرت مریم پوششی مزین به سه ستاره قرار دارد که نمایان‌گر بکارت وی می‌باشند.
با تعمق نمودن در شمایل عذرای ایلچ، مریم را مانند تختی می‌بینیم که بر آن عیسی مسیح پادشاه پر جلال و نجات‌دهنده این دنیا نشسته است. این پادشاه دنیای ما را برکت می‌دهد و قبل از همه ما در خود را که در میان تمام زنان جهان متبارک است.

عظمت دختر یعنی مریم می‌بایست به نوبه خود منعکس‌کننده بزرگی مادر یعنی حنا باشد: به همین دلیل از اورشلیم، جایی که کلیسایی طبق سنت بر محل تولد مریم بنا شده بود، آیین تکریم حضرت حنا به سرعت در جهان مسیحیت گسترش یافت.

طبق متون تحریفی، بارآورده شدن مریم در رحم مادرش حنا، که توسط فرشته‌ای به طور جداگانه به والدین مسن او اعلام شده بود، از طریق تصویر یهوایقیم و حنا که در کنار دروازه طلایی اورشلیم یکدیگر را در آغوش گرفته‌اند، به طور نمادی نمایش داده می‌شود: اگرچه این تصویر در ضمن شمایل نگاری هنر غیرمذهبی نیز برای نشان دادن بارآورده شدن شخصیتی مهم به کار گرفته می‌شد، این نماد به هم پیوستن که به خودی خود بسیار روحانی می‌باشد، برای مسیحیان اشاره‌ای به پاکی کامل مریم گشت این پاکی تنها به تقدس زندگی آینده ما در خدا مربوط نمی‌شود، بلکه در بردارنده کل شخص وی از اولین لحظه وجودش می‌باشد، برحسب مفهومی که مسیحیان از آغاز احساس کرده و به گونه‌ای مجازی در بیان نمادین نوشته‌های تحریفی ابراز داشته بودند.

از قرن دوم، حضرت ایرنئوس مقایسه‌ای بین حوا و مریم انجام داده و آن را توسط ارتباط صمیمانه و نزدیک پسر یکتا و مادرش در کار نجات، غنی‌تر ساخته بود.

بدین ترتیب او محتوای عقیدتی بسیار دقیق و باروری بر تعمق به راز حضرت مریم داده بود: "خداوند (...). از او که از نسل آدم بود، شباهت خود را به مخلوق اول یافت. به راستی شایسته و به حق بود که آدم کمال خود را از مسیح دریافت دارد تا آن چه که فانی بود در فناپذیری جذب گردد و حوا کمال خود را از مریم دریافت دارد، تا مریم عذرا شفیع‌حوای عذرا گشته، سرپیچی آن عذرا را با اطاعت خود به عنوان عذرا جبران نماید."

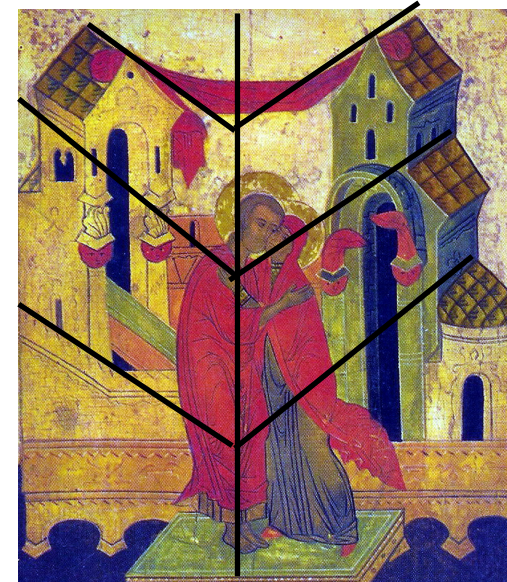


باردار شدن حضرت حنا، مکتب نوگوردو، شمایل روسی قرن ۱۵

یکی از قدیمی‌ترین این متون تحریفی "انجیل یعقوب" می‌باشد که در قرن دوم نوشته شده و زندگی حضرت مریم را تا تولد عیسی شرح می‌دهد. این متن از والدین مریم به نام‌های یهوایقیم و حنا نام می‌برد و شرح می‌دهد که حنا که نازا بود، در ایام پیری خود، باردار آن شخصی می‌گردد که موجب شادمانی همه بشریت می‌شود.

تولد حضرت مریم، حوای نوین، از دیدگاه روحانی، در بردارنده راز انتخاب رایگان و فیض بارور الهی می‌باشد که در سراسر عهد قدیم با پیروزی خدا بر نازیبا اعلام می‌گردد. در آیین این عید، با این متن رو به رو می‌گردیم:

"امروز تمام جهان باردار شدن حنا را که به اراده خدا انجام می‌شود، جشن می‌گیرد. به راستی آن زنی که می‌بایست به طریقی اسرارآمیز و وصف‌ناپذیر کلمه خدا را به بار آورد، خود به بارآورده شده است."



دعا

خوشا به حال شما ای حنا و یهو یاقیم
 هر آفریده ای نسبت به شما مدیون است
 زیرا توسط شما هر آفریده ای توانست به آفریدگار خود
 بهترین هدیه را تقدیم نماید
 یعنی مادر باکره (حضرت مریم) تنها کسی می باشد
 که لایق و سزاوار آفریننده است.

سرود

"ای عاقره ای که نزاییده ای بسرا
 ای که درد زه نکشیده ای،
 به آواز بلند ترنم نما و فریاد برآور." (اش ۵۴: ۱)

این مقایسه بین حوا و مریم در افکار پدران کلیسا، هم چون کلیدی برای درک آغاز نوینی که در مریم عذرا تحقق می یابد، دائماً باز می گردد. حضرت آندره، اسقف مقدس کریت (قرن هفتم)، نگاه خود را بر این آغاز نوین شگفت دوخته، در یکی از زیباترین سرودهای آیین عبادت به افتخار مادر خدا می گوید:

"بدن مریم عذرا در عین حال که زمینی است که خدا آن را شخم نموده، نویر خمیر سرشت آدم است که مسیح آن را در الوهیت سهیم ساخته، و نیز تصویری کاملاً شبیه زیبایی اولیه است و سرانجام گلی که دستان هنرمند الهی به آن شکل داده است."

در این شمایل باردار شدن حضرت حنا از مکتب نو و گورد، صحنه که بسیار صمیمانه می باشد، در مکانی بسته که پرده آویخته شده بین دو ساختمان نمایان گر آن است، نمایش داده شده: در هنر بیژانس چنین صحنه ای نشانه آن است که واقعه در داخل یک خانه صورت می گیرد.

خانه های اورشلیم که انتهای زمینه شمایل را می بندند، گویی به سوی تماشاگر باز شده، جلو می آیند: فضا در عمقی خیالی نیست، بلکه به نظر می رسد که به سوی شخصی که به شمایل نگاه می کند، در حرکت است. در واقع از آن جایی که این تصویر مقدس برای انسان دارای محتوایی نجات بخش است، منشاء آن در خدا و مقصد آن در روح انسان است.

برای تاکید بیشتر بر این که این صحنه در تاریخ و زمان جای ندارد، یهو یاقیم و حنا به وضوح به سوی تماشاگر، در جلوی ساختمان ها و برپای اندازی کوچک، گویی خارج از تاریخ، در یک زمان حال ابدی، قرار گرفته اند.

شمایل آنان که مربوط به شادمانی آغاز نجات انسان می باشد، در عین حال شمایل محبت زناشویی می گردد که آزادانه در نقشه ازلی نجات جای گرفته، تمام شأن و ارزش اولیه خود را باز می یابد.

او را حمد خوانید و جلال دهید که مافوق همگان است، تا به ابد
 زیرا او ما را از هاویه بیرون کشید
 و ما را از قدرت مرگ نجات بخشید
 و ما را از میان کوره رهایی داد
 از شعله‌های سوزان
 و زبانه‌های آتش ما را خلاصی بخشید
 خداوند را بسرایید، زیرا که نیکوست
 وفاداری او جاودانی است
 ای همه پرستندگان خداوند، خدای خدایان را متبارک بخوانید
 او را حمد بگویید و بسرایید
 رحمت او جاودانی است."

(دانیال نبی، متن یونانی، ۳: ۸۷-۹۰)



سه جوان در کوره آتش، شمایل ارمنی قرن ۱۲۸۶

شمایل "سه جوان در کوره آتش"

این شمایل مربوط به فصل سوم کتاب دانیال نبی می‌باشد و نمایان‌گر سه جوانی است که به علت سرپیچی از پرستش یک مجسمه طلایی، به دستور نبوکدنصر پادشاه محکوم می‌گردند که در آتشی عظیم افکنده شوند. آنان را مشاهده می‌کنیم که می‌سرایند و خداوند را متبارک می‌خوانند، در حالی که یک فرشته (روح القدس) آنان را تحت حمایت خود نگاه می‌دارد. در برابر حیرت پادشاه و همراهانش، هیچ آسیبی به این سه جوان نمی‌رسد. در نتیجه پادشاه دستور می‌دهد آنان را از آتش بیرون آورند و به وقوع یک معجزه اقرار می‌کنند. او سپس دستور می‌دهد که خدای این سه جوان مورد احترام قرار گیرد، "زیرا خدایی نیست که بدین منوال رهایی تواند داد." (دان ۳: ۲۹)

همان‌طور که دیدیم فرشته نگهبانی که به همراه سه جوان در کوره آتش می‌سراید و می‌رقصد روح القدس است. او مدافع ما است و به ما آن اطمینان مطلق را به خدا می‌بخشد که باعث می‌شود با روحی آزاد متحمل تعقیب و آزار گردیم با آگاهی از این واقعیت که خدا به همراه ماست. سه جوان توسط ایمان و شهادت خود اتحاد کامل و شادی را یافته‌اند.

چنین است شمایل کلیسای امروز، شادمان و متحد در ایمان به مسیح رستخیز کرده. کلیسا در حالی که در مقابل قدرت‌های این جهان کاملاً ضعیف و در برابر آنانی که خواهان محکوم ساختن آن می‌باشند کاملاً فقیر است، استوار باقی می‌ماند و به همراه سه جوان چنین می‌سراید:

سرود

"ای مقدسان و ای دل‌های فروتن، خداوند را متبارک بخوانید
 او را حمد خوانید و جلال دهید که مافوق همگان است، تا به ابد
 خانیا، عزریا، میسائیل، خداوند را متبارک بخوانید

قدیس فاتح، نیزه را در دهان اژدها فرو می‌برد. در طرف راست، دست خدا از میان ابرها ظاهر شده است تا قدیس جنگ آور را برکت دهد. به علاوه خدا دست ژرژ قدیس را که مسلح به نیزه‌ای ساخته شده از چوب صلیب می‌باشد، برای درست هدف قرار دادن اژدها هدایت می‌کند این شمایل که اثری بسیار قابل ملاحظه می‌باشد، توسط رنگ‌های معنای نمادین در بردارند مشخص می‌گردد: زمینه طلایی درخشان شمایل، انعکاس حیات ابدی و رنگ قرمز شمل، نمایان‌گر درد و رنج مسیح بر صلیب و محبت وی است. اسب ژرژ قدیس بر سر دو پای خود بلند شده و سرش را به طرف اژدها که در ضمن خارج کردن آتش از دهان به خود می‌پیچد گردانده است.

در شمایل‌های بی‌زانس حرکت کمتر دیده می‌شود، در نتیجه در این شمایل شور و جهشی که در اسب و اژدها دیده می‌شود اثر آن را فوق‌العاده می‌سازد. در این شمایل هدف اصلی، نمایش فرو بردن نیزه در بدن اژدها نمی‌باشد بلکه مقصود مبارزه نمادین و روحانی است: قدیس جوان مظهر زیبایی و کمال مطلق است. او لباس‌های آراسته‌ای به مثابه لباس‌های ملتزمین جوان بر تن دارد. زره زرین وی به طرز ظریفی حکاکی شده است. کمربندش به رنگ سبز و آستین‌های وی نیز به رنگ سبز است. بالاپوش متموج وی قرمز آتشین می‌باشد. او دهنه قرمز رنگ اسب سفید خود را در دست دارد.

در پشت سر اسب سپری دیده می‌شود که تصویر خورشید با اشعه زیاد بر آن نقش بسته است.

در روسیه حتی قبل از حمله مغول‌ها، مسیحیان به جای احترام. به خورشید که جزئی از آیین بت پرستان اسلاو بود، ژرژ قدیس را تکریم می‌کردند و شاید به همین دلیل است که تصویر خورشید بر سپر ژرژ قدیس نمایش داده شده است.

شمایل "گیورگیز (ژرژ) قدیس"

شمایل ژرژ قدیس که نام دیگرش شمایل "ژرژ قدیس و قاتل اژدها" می‌باشد، نمایش دهنده افسانه‌ای یونانی که ریشه آن به آیین‌های ماقبل مسیحیت بر می‌گردد. ژرژ قدیس اژدهای هولناکی را که فقط از راه قربانی انسان سیر می‌شود، بر زمین می‌کوبد. این اژدها نشان‌گر قدرت بدی یا شیطان است که طبق انجیل آدم کش می‌باشد و تنها مسیح مصلوب بر او پیروز است.



گیورگیز قدیس، شمایل ارمنی قرن ۱۴

دعا

ای نجات دهنده همه اسیران، و مدافع همه مسکینان
شفادهنده بیماران، و مدافع شاهان
حامل غنایم، ای ژرژ قدیس بزرگ
در حضور مسیح خدای ما، جهت نجات روح ما
شفاعت بفرما.

(سرود برای ژرژ قدیس)